



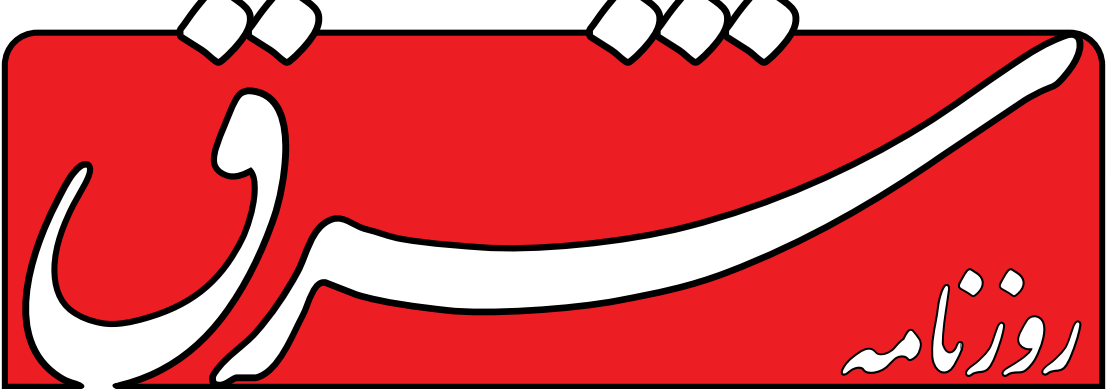
ارزیابی «رفیق دوست» از عملکرد سپاه در سال ۸۸:

برخی حرکت‌هایی که از حد خارج شد، اشتباه بود

ایستاد: رفیق‌دوست با بیان اینکه اولین کشوری که شعار «ه‌شرقی، نه‌غربی» را سر داد ایران بود، گفت: این مساله برای آنها قابل تحمل نبود و تا وقتی که ما به این روش ادامه دهیم، دشمنی آنها با ما وجود دارد و تا این دشمنی هست، نیرویی که باید از انقلاب دفاع کند...

صفحه ۳

یکشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۱ - ۳۰ جمادی‌الاول ۱۴۳۲ - ۲۲ آوریل ۲۰۱۲ - سال نهم



نظرگاه اخلاقی مولانا به روایت «ملکیان»

هفت پرسش درباره یک زندگی

گروه اندیشه: کمتر همایی است که نیم‌ساعت قبل از شروع آن به مکان برگزاریش برسی و با خیل جمعیت روبه‌رو شوی. نیازی نبود تا مکان برگزاری همایش را بدانی، از جمعیتی که در خیابان کردستان- جلال آل‌احمد روانه بودند، می‌شد مکان برگزاری همایش را حدس زد...

صفحه آخر



شماره پیاپی ۱۵۱۰ - شماره ۵۸۶ دوره جدید - ۲۰ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

سر مقاله

جهش قیمت‌ها معلول دو تخلف

محمدباقر نوبخت*



گزارش بانک مرکزی از افزایش ۴۴درصدی قیمت لبنیات، ۴۷درصدی حبوبات، ۴۶درصدی گوشت و ۳۴درصدی مرغ در هفته سوم فروردین سال ۹۱ در مقایسه با هفته سوم اسفند سال ۹۰ خبر می‌دهد. این در حالی است که از دیدگاه کارشناسان اقتصادی افزایش شدید نرخ تورم، هم از طرف تقاضا «Demand Pull» و هم از طرف عرضه، ناشی از فشار هزینه‌ها «Cost Push» قابل پیش‌بینی بوده است. حداقل دو تخلف عمده دولت در این جهش قیمت‌ها نقش تعیین‌کننده داشته است:

۱- با عنایت به اینکه در جهت مهار تورم ناشی از اجرای قانون هدفمندکردن بازارها و کنترل طرف تقاضا، در ماده هفت این قانون، دولت مجاز بود حداکثر تا ۵۰درصد خاص وجوه حاصل از اجرای قانون مذکور را در قالب یارانه نقدی و غیرنقدی خاورها و نیز در مواردی همچون گسترش و تامین بیمه‌های اجتماعی، خدمات‌رسانی، تامین و ارتقای سلامت جامعه، پوشش دارویی، تامین و مقاوم‌سازی مسکن و ایجاد اشتغال پرداخت کند. در این مورد در یک تخلف آشکار فقط میزان پرداختی به خانواده‌ها، حداقل ۱۵هزار میلیاردتومان بیش از رقم مجاز بوده است.^(۱)

ادامه در صفحه آخر

الزامات رونق اقتصاد هنر

مرتضی کاظمی*



موفقیت ارزشمند هنرمندان ایرانی در حراج کریستیز، حکایت از حقایقی چند دارد که توجه به آنها همان‌قدر امیدآفرین و سازنده است که بی‌توجهی به آنها، یاس‌آور و

زیان‌بار. برخی از این حقایق از این قرار است: ۱- موفقیت‌های چندساله اخیر، ناشی از ظرفیت‌های اقتصادی هنر بوده است؛ ظرفیت‌هایی که هیچ‌گاه در نظام‌های آماری و برنامه‌ریزی کشور - چه در سال‌های قبل از انقلاب و چه سال‌های پس از آن- نتوانسته‌مورد توجه نبوده، که به درستی نیز شناسایی نشده است. واقعیت اما، آن است که هنر ایران‌زمین در طول تاریخ از قابلیت‌های بسیار بالای اقتصادی برخوردار بوده؛ زیرا با زندگی ایرانیان عجین بوده است. یک شاهد مثال برای این واقعیت آن است که تا همین سال‌های گذشته هنر را با «فن» و «صنعت» یکی دانسته و ارزش حرفه‌ای برای آن قابل بوده‌اند. شاهد مثال دیگر، خرید و فروش آثار هنری در بازار قیصریه اصفهان در عصر صفویه است. این ظرفیت تاریخی که متأسفانه چند دهه به دست فراموشی سپرده شده بود، مورد آن است که اقتصاد هنر همواره یک مولفه مهم در برنامه‌های توسعه کشور باید مورد توجه قرار گیرد.

۲- حفظ این موقعیت در حال حاضر و ارتقای آن در سال‌های پیش رو، در درجه اول مستلزم هوشمندی هنرمندان در مواجهه با شرایط جدید است. اینکه چه اثری را در چه ابعاد کمی و کیفی در اکسپوها و حراج‌های معتبر عرضه کنند بسیار مهم‌تر از آن است که به چه میزان درآمد حاصل از فروش اتفاقی آثار خود دست یابند. به عبارت دیگر، حضور موثر و مداوم در جریان تجارت جهانی هنر، تنها ضامن موفقیت‌های پایایی خواهد بود و برعکس، حضور کم‌رنگ و اتفاقی و پابین‌تر از استانداردهای پذیرفته شده جهانی، زیان‌های جبران‌ناپذیری را به این موقعیت وارد خواهد کرد. این مهم، به‌ویژه، در مورد هنرمندان ایرانی صاحب رکورد اهمیتی صد چندان دارد؛ همچنان که در شب اول حراج هفته گذشته حضور کم‌رنگ و غیرقابل انتظار این دسته از هنرمندان آسیب‌های غیرقابل بخشی وارد کرد.

۳- نقش گالری‌داران در این میانه، نباید نادیده گرفته شود.

ادامه در صفحه ۱۹



نارنجی‌پوش کیف گمشده را در بیرجند به صاحبش داد

رفتگر یک میلیاردتومانی

احمد ربانی: حقوقم ۵۰۰ هزار تومان است

عکس: شرق

❖ شنیدیم کیف یک میلیاردتومانی پیدا کرده و به

صاحبش پس داده‌ای؟

«احمد تابید می‌کند و فقط می‌خندد»

❖ کیف را چطور پیدا کردی؟

پنجشنبه‌شب سر کار رفتم، ساعت حدود سه بود که داشتم یک کوچه را جارو می‌کردم. یک دفعه کیف را دیدم. قهوه‌ای رنگ بود. آن را برداشتم تا ببینم کهنه است و آن را دور انداخته‌اند یا اینکه کسی گمشا کرده. وقتی در کیف را باز کردم دیدم کهنه نیست.

❖ داخل کیف چه بود؟

مقداری طلا، چند چک و چند پاکت که بعد فهمیدم داخلش سندا است.

❖ می‌دانستی محتویات کیف چقدر ارزش دارد؟

آن موقع نه بعدا فهمیدم ولی فرقی نمی‌کرد.

❖ وسوسه نشدی کیف را برای خودت برداری؟

اموال مردم را باید پس داد. من قبلا هم چیزهایی مثل موبایل پیدا کرده و به صاحبش داده بودم. این دفعه هم همین کار را کردم.

❖ چطور صاحب کیف را پیدا کردی؟

ساعت پنج صبح به ریسم تلفن زدم و گفتم کیف را پیدا کردم. بعد آن را به شهرداری بردم و آنجا تحویل دادم. خودشان صاحب کیف را پیدا کردند و بعد به من خبر دادند.

❖ صاحب کیف وقتی اموالش را دید چه واکنشی داشت؟

خیلی خوشحال شده بود. خیلی از من تشکر کرد. اصلا نمی‌دانست کیف را کجا گذاشته است.

❖ مزدگانی هم گرفتی؟

یک چک ۲۰۰ هزارتومانی به من داد.

❖ حقوق خودت چقدر است؟

ماهه ۵۰۰ هزارتومان می‌گیرم.

ادامه در صفحه ۱۹

گروه حوادث: اختلاس، کلاهبرداری، فساد، قتل و خشونت؛ اینها کلماتی است که این روزها در رسانه‌ها زیاد تکرار می‌شوند. رقم‌ها هر بار بزرگ‌تر و تلخی‌ها هر روز گزنده‌تر. در این هیاهوی سیاهی‌ها و سختی‌ها مردی در گوشه‌ای از ایران در خانه‌ای روستایی زندگی می‌کند که رفتارش علامت سوالی است در برابر تحلیل‌هایی که از پسروی فرهنگی و اضمحلال اخلاقی مردمان روزگار ما حکایت دارند. در روزگاری که خبرها می‌گویند جان‌آزان شده، مردی رفتگر با درآمدی ناچیز و قسط‌ها و قرض‌هایی که تمامی ندارد، بر وسوسه‌ای بزرگ غلبه کرد تا کیفی گمشده را به دست صاحبش برساند؛ کیفی که ارزش آن معادل ۱۶۶ سال حقوق او بود، کیفی یک میلیاردتومانی.

نارنجی‌پوش ۳۹ساله‌بجنوردی که «احمد ربانی» نام دارد، سال‌هاست با کارگری روزگار می‌گذراند و با مشکلات مالی دست به گریبان است اما وقتی کیف‌میلیاردی را پیدا کرد آن را بدون هیچ طمع و چشمداشتی به صاحبش پس داد. ارزش رفتار این رفتگر وقتی آشکارتر می‌شود که آن را با

خبرهای رایج این روزها مقایسه کنیم: «سه پسر به خاطر ۳۰هزارتومان دختر عقاب‌فاده را کشتند»، «دو نوجوان برای سرقت ۱۷۰هزارتومان از دوست ۱۸ساله‌شان او را به قتل رساندند و آتش زدند»، «مردی برای طلب ۲۰۰هزارتومانی زنی را به کام مرگ کشاند» و «مردی دیگر دوستش را قربانی ۵۰۰هزار تومان کرد». احمد دیروز در کمال سادگی به سوالات خبرنگار ما پاسخ داد. لحن و کلامش نشان می‌داد کاری را که کرده غیرعادی نمی‌داند و آن را رفتاری طبیعی تلقی می‌کند. همین ارزش کار او را بیشتر می‌کند. اما با تقدیر از احمد و امثال او توسط مسئولان است که می‌توان چنین رفتارهایی را به فرهنگی فراگیر تبدیل کرد.

غیبت ۳ساله در جلسات مجمع تشخیص پایان یافت

احمدی‌نژاد کنار هاشمی

وقتی که گفت: «آیا آقای احمدی‌نژاد باید برود در مجمع تشخیص مصلحت نظام در کنار فردی بنشیند که چشم‌دین او را در قامت رئیس‌جمهور ندارد و از همه ابزارهای برای تخریب شخصیت وی چه در قبل از انتخابات ۸۴ و چه در سال‌های پس از آن استفاده کرده است؟» خود احمدی‌نژاد هم در یک گفت‌وگوی تلویزیونی که ۱۰اذر ۱۳۸۸ با وی انجام شد، درباره دلایل غیبت خود در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «فوتن به مجمع تشخیص دلایل خاص خودش را دارد.» و این تنها دلایل نبود که غلامحسین الهام که اخیرا سخنانش درباره مجمع تشخیص و اعضای آن مبنی بر اینکه «این افراد بیگار

هستند که به مجمع می‌آیند» به شدت حاشیه‌ساز شده است هم، از دیگر کسانی بود که درباره نیامدن احمدی‌نژاد به مجمع توضیح داد و دلیل آن را خوب اداره نکردن مجمع تشخیص توسط آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی خواند. **ادامه در صفحه ۲**

گروه سیاسی، نفیسه زارع‌کهن: طلسم نیامدن‌ها شکست، رئیس‌دولت به وعده‌اش عمل کرد و دیروز بعد از سه سال برای اولین بار سران سه قوه زیرسقف مجمع تشخیص مصلحت نظام جمع شدند. روز پیش محمود احمدی‌نژاد بالاخره به جلسه مجمع رفت و دومین جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال جدید با حضور سران سه قوه برگزار شد. سه سالی بود که غیبت‌های محمود احمدی‌نژاد در مجمع به یک روند ثابت و غیرقابل تغییر تبدیل شده بود و آخرین حضور رئیس‌دولت در این جلسات به اوایل سال ۱۳۸۸ بازمی‌گردد. پس از آن و به‌ویژه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دهم، محمود احمدی‌نژاد که به

لحاظ جایگاه ریاست‌جمهوری یکی از اعضای حقوقی و ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام است در تمام جلسات این مجمع غایب بود و اطرافش دلایل متعددی در درباره نبود وی ذکر می‌کردند. دلیلی که بارزترینش را جوافکر مشاور احمدی‌نژاد بر زبان راند،

بررسی میدانی وضعیت قیمت‌ها در «نارمک»

همسایگان رییس‌جمهوری از «گرانی» می‌گویند

گوشت گوسفند سردست، جگر گوسفند و مرغ که البته موجود نبود. آقای قصاب می‌گوید: «از شخص رییس‌دولت پرسید چرا همه چیز اینقدر گران شده است اما نا‌آگاهانه همه چیز درست می‌شود.» قیمت انواع گوشت که در بالا به آن اشاره شد از قرار هر کیلویی ۰۰۰، ۰۸۸۰۰، ۰۲۱۰۰۰، ۲۱۵۰۰ تومان نوشته شده بود. با اینکه مرغی در کار نبود اما قیمت روز آن ۴۶۰۰ تومان اعلام شد. همین‌طور که خیابان «گلبرگ غربی» را به سمت میدان «هفت حوض» طی می‌کنم به «میدان ۷۳» می‌رسم. میدانی که در امتداد آن به سمت «میدان ۷۲» خانه «احمدی‌نژاد» واقع است. میوه‌فروش در حال تمیزکردن میوه‌ها و چیدمان تازه‌هایی است که از میدان فراهم کرده: ریواس، برگ مو، چغاله بادام، گوجه‌سبز، سیب‌زمینی، پیاز، خیار، کاهو، سبزی، برنقال، موز و... قیمت گوجه‌فرنگی را ۲۰۰۰ تومان می‌خواند. بجز برای بررسی وضعیت از آن روز برای بررسی وضعیت قیمت‌ها به محله ایشان (نارمک) رفتم تا نظر همسایه‌هایش را درباره قیمت‌های کنونی بشنوم.

به مغازمدار هم گفت: «عازم مکه هستم، حلالم کن.» میوه‌فروش می‌گوید: «دست دلالان در بازار میوه زیاد شده است. یک کارتن ۱۹ کیلویی ۶۸۰۰۰ تومان برایم تمام می‌شود، خب کیلویی چند باید بفروشم تا مردم هم بتوانند خرید کنند؟ تا چند سال پیش سه کارتن موز را به این قیمت خریداری می‌کردم.» از او می‌پرسم تا به حال رییس‌جمهور یا خانواده‌اش از فروشگاهش خرید کرده‌اند؟ می‌گوید: «خودشان نه اما آقای غلامحسین الهام از ما زیاد خرید می‌کنند.» در ادامه مسیر، نانوا نشسته است و نان «بربری» ساده را ۴۵۰۰ و بربری خشخاشی را به قیمت ۵۰۰ تومان می‌فروشد. «سنگک» هم با همین مشخصات به قیمت ۵۰۰ و ۱۰۰۰ تومان در سبد خرید مردم این منطقه جامی‌گیرد.

ادامه در صفحه ۵

شرق، حمید جعفری: یکی بود یکی نبود... زیر گنبد کبود، شهر با صفایی بود. در این شهر با صفا منطقه‌ای پر از میدان بود؛ مردمانش همه خوب، همه پاک، مهربان؛ حرف‌زدن برای روزنامه‌نگاران از قلم‌بازان آسان‌تر است. وگرنه می‌توان بر صندلی مدیرعاملی شرکت ملی نفت نشست و ارقام رسمی بانکمرکزی را تکذیب کرد، اعداد لوپک و سازمان بین‌المللی انرژی را درباره تولید نفت ایران تایید نکرد و عدد واقعی تولید نفت کشور را هم ارایه نداد! آمار و ارقام که نباشد، «میزان» دست «ملت» نیست.

۱- مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، روز جمعه آمار رسمی بانکمرکزی جمهوری اسلامی ایران درباره متوسط تولید نفت در سال ۸۹ را اشتباه خواند. براساس گزارش رسمی بانکمرکزی، شرکت ملی نفت در سال ۸۹، روزانه به طور متوسط ه میلیون و ۳۶هزار بشکه نفت تولید کرده که دو میلیون و ۳۶هزار بشکه از آن صادر کرده است. این آمار سال گذشته منتشر و خبر آن در رسانه‌ها منعکس شد. سوال این است که چرا آقای قلمه‌بانی، بلافاصله بعد از انتشار این گزارش، آن را به طور علنی تکذیب نکرد و آمار واقعی تولید را ارایه ننمود؟! ۲- بانکمرکزی آمار تولید و صادرات نفتی را اعلام می‌کند که با پولش را در خزانه دریافت کرده باشد یا وضعیت مصرفش در پالایشگاه‌های داخلی عیان باشد. حالا که مدیرعامل شرکت ملی نفت مدعی است آمار بانکمرکزی اشتباه بوده و تولید صادرات بیش از اعداد است باید روشن کند که آیا دلار آن به خزانه واریز شده است یا خیر؟ آیا نفتی تولید و صادر شده که بانکمرکزی از آن بی‌اطلاع است و پولش به خزانه واریز نشده است؟! **♦♦♦**

از شخص ایشان پرسید چرا همه چیز اینقدر گران شده است؟ «روز عید با خودشان صحبت کردم گفتند بررسی می‌کنیم.» «ایشان که خودشان گوجه‌فرنگی نمی‌خرند، رییس‌جمهور هستند کارشان چیز دیگری است.» این پارای از صحبت‌های ساکنان محله‌ای از نارمک است که از قضا تا سالیان پیش همسایه «احمدی‌نژاد» بودند. قصاب سلاخی می‌کرد، مشتری هم نداشت، فهرست اقلام موجودش چنین بود: گوشت گوساله، گوشت گوسفند،

تجسمی



گفت‌وگوی «شرق» با مسعود حسینی برنده جایزه پولیتزر

تلاش برای ثبت واقعیت

صفحه ۹

تیتراها

روایت‌های مختلف از خسارات بارندگی تهران

شهرداری: ۲۱میلیارد تومان

استانداری: تا ۲۰۰میلیارد

صفحه ۱۹

رییس دیوان محاسبات خبر داد ۹۰هزارمیلیارد تومان بدهی و مطالبات معوقه بانک‌ها

صفحه ۴

در صفحات

نبرد با فراموشی

آلفرد یعقوب‌زاده / صفحه ۱۵

فغان مسعود

امید صالحی / صفحه ۹

تحمل میهمان نداریم

گفت‌وگو با پولاد کیمیایی / صفحه ۱۲

بودجه تئاتر خرج چه می‌شود

گفت‌وگو با محمد یعقوبی / صفحه ۱۱

حرف اول

«کلاف» تولید «نفت»

رضا زندی



انگار «آمار» حرمت خود را از دست داده‌اند. گویا حرف‌زدن برای روزنامه‌نگاران «هزینه‌دار»‌تر است. وگرنه می‌توان بر صندلی مدیرعاملی شرکت ملی نفت نشست و ارقام رسمی بانکمرکزی را تکذیب کرد، اعداد لوپک و سازمان بین‌المللی انرژی را درباره تولید نفت ایران تایید نکرد و عدد واقعی تولید نفت کشور را هم ارایه نداد! آمار و ارقام که نباشد، «ملت» نیست.

۱- مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، روز جمعه آمار رسمی بانکمرکزی جمهوری اسلامی ایران درباره متوسط تولید نفت در سال ۸۹ را اشتباه خواند. براساس گزارش رسمی بانکمرکزی، شرکت ملی نفت در سال ۸۹، روزانه به طور متوسط ه میلیون و ۳۶هزار بشکه نفت تولید کرده که دو میلیون و ۳۶هزار بشکه از آن صادر کرده است. این آمار سال گذشته منتشر و خبر آن در رسانه‌ها منعکس شد. سوال این است که چرا آقای قلمه‌بانی، بلافاصله بعد از انتشار این گزارش، آن را به طور علنی تکذیب نکرد و آمار واقعی تولید را ارایه ننمود؟! ۲- بانکمرکزی آمار تولید و صادرات نفتی را اعلام می‌کند که با پولش را در خزانه دریافت کرده باشد یا وضعیت مصرفش در پالایشگاه‌های داخلی عیان باشد. حالا که مدیرعامل شرکت ملی نفت مدعی است آمار بانکمرکزی اشتباه بوده و تولید صادرات بیش از اعداد است باید روشن کند که آیا دلار آن به خزانه واریز شده است یا خیر؟ آیا نفتی تولید و صادر شده که بانکمرکزی از آن بی‌اطلاع است و پولش به خزانه واریز نشده است؟! **♦♦♦**

ادامه در صفحه ۴

معرفی آژانسهای مسافرتی و هتل‌ها و مراکز گردشگری

یاسمین پارسه ۲۲۲۶۱۰۰۲

اسپیلت البرز ۶۶۹۰۲۶۸۰

رجوع شود به صفحه ۱۷

شهروند عزیز در تهیه و تأمین پیامهای فرهنگی شهر خود سهیم باشید

اطلاعات بیشتر در www.zibasazi.ir

روابط عمومی سازمان زیباسازی شهر تهران

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

تلفنی آگهی می‌پذیرد.

۸۸۶۵۸۵۷۵-۸۸۵۲۴۹۷۴-۸۸۷۵۲۴۹۳-۸۸۷۵۲۱۵۹